

باید قدرتمند تر شویم. بخاطر اینکه وقتیکه مردم بما لقب قدرت امپراطوری میدهند این لقب باید برای من جا بیافتد و ما هم بنا به این واقعیت عمل کنیم. من با این لقب موافق هستم.

یا ورقی ها:

۱) بطور مجمل میتوان آن را بدین صورت تعریف نمود: حفظ میراث لیبرالیسم، دفاع از مالکیت خصوصی، پذیرش درجاتی از نابرابریهای اجتماعی و کاهش کنترل دولت در فعالیتهای اقتصادی. برای اطلاع بیشتر به "دانشنامه سیاسی" داریوش آشوری ص ۲۹۸ و یا به ایدئو لوژی های مدرن سیاسی نوشته Andrew Vincent، ترجمه مرتضی ثاقب فر، ص ۱۲۴ - ۸۷ مراجعه شود.

۲) ترجمه فارسی این مقاله از روی ترجمه آلمانی آن که در هفته نامه Neue Solidaritdt شماره ۲۰، مورخه ۱۴ مای ۲۰۰۳ چاپ گردیده است، صورت گرفته است.

۳) برگرداندن مقاله به فارسی از جانب مترجم به منظور فهم بهتر متن تغییراتی بدون دخل و تصرف در معنی، داده شده است.

xxxxx

افشاء کودتای "رهروان استراوس" با تاخیر

لیندون لا روش (Lyndon LaRouche) کاندیدای ریاست جمهوری از حزب دمکرات در هفته های گذشته اقدام به توزیع جزوه مشروحي با تیراژ ۴۰۰۰۰۰ نسخه در باره جناح جنگ طلب در واشنگتن و پدر عقیده تیشان لئو استراوس (Leo Strauss) که قطب حلقه "رهروان استراوس" میباشد نمود. در پی آن روزنامه های معتبر آمریکا بحث و پیرامون این کودتا را در صدر موضوعات خویش قرار داده اند.

از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا کنون لیندون لا روش (Lyndon LaRouche) از یک کودتای آرام در سطوح خبرگان و صدر فرماندهی شورای امنیت ملی ایالت متحده سخن میراند. به گفته او هدف کودتا گران این است که ایالت متحده را در یک جنگ مدام فرهنگها وارد نمایند. کمیته انتخابی لیندون لا روش (Lyndon LaRouche) در هفته های گذشته ۴۰۰۰۰۰ نسخه از این جزوه را در باره فراکسیون جنگ

طلب و اسقف اعظمشان لئو استراوس (Leo Strauss) انتشار نمود ۱.

رسانه های خبری متعددی اکنون این جزوه را مورد بحث قرار داده و افشاگریهای مشابه ای را در باره حلقه جنگ طلب "رهروان استراوس" در واشنگتن چاپ و انتشار داده اند. روزنامه نیو یورک تایمز مورخه ۴ می در ستون گفتارهای هفتگی روزنامه فوق العاده روز یکشنبه اش یک مقاله طولانی با تیتیر "ارثیه یک فرد با گرایشات کلاسیک: معمار امپراطوری" را چاپ نمود. یک سوم صفحه این مقاله مختص به کاریکاتور قائم مقام وزارت دفاع و شاگرد استراوس، پاول ولفو ویتس (Paul D. Wolfowitz) است که در شمایل یک گلادیاتور رومی ظاهر شده و در زیر بغلش کتاب "در باره استبداد استراوس را همراه دارد.

این مقاله به نقش استراوس (متوفی در سال ۱۹۷۳) بعنوان پدر ایدئولوژیک حلقه نئوکنسرواتیوهای ۲ درون هیئت حاکمه بوش و شرکا میپردازد که تهاجم اخیر بر علیه عراق را برنامه ریزی و سازماندهی نمودند. جمیگز آتلس (James Atlas) در بیوگرافی که در باره زندگی استراوس انتشار داده است آشخور فکری استراوس را به این افراد منتسب میدانند: مارتین هایدگر، والتر بنیامین، و الکساندر کوچوه (Alexander Kojeve). به اعتقاد او استراوس به نیچه گرایش داشته و اگزیستنیالیست بوده است. مقاله بر این اعتقاد است که حلقه نئوکنسرواتیوهای در درون دستگاه حاکمه بوش نوعی از کودتا را محقق نمودند که هدفمندانه با طراحی زنجیری از جنگهای دراز مدت به اهداف و خواسته های امپراطوری در خاور میانه و کشورهای شرق آسیا جامه عمل بیوشانند.

به قلم سیمور هرش (Seymour Hersh) هم که یکی از ژورنالیستهای مورد احترام و سرشناس New York Times به شمار میرود مقاله ای در باره این حلقه مرموز بجای رسیده. او به نقش محوری افراد حلقه "رهروان استراوس" در دستگاه پنتاگون تحت امر رامسفلد میپردازد. همان پنتاگونی که مسئولیت پروپاگاندای سنگین در تحریف اخبار متوجه اش میباشد و همراه با پرزیدنت بوش جنگ بر علیه عراق را هدایت و سازماندهی نمودند. یکی از مهمترین چهرهای حلقه "رهروان استراوس" آبراهام شولسکی (Abraham Shulsky) رئیس بخش جاسوسی در درون پنتاگون میباشد. او از شاگردان وفادار و پرو یا قرص

استراوس است. هیرش در مقاله اش از "اطلاعات دست چین و سانسور شده" نام میبرد و به مقاله اش را هم به همین تیتیر چاپ نموده است. هیرش میگوید که ابرام شولسکی (Abram Shulsky) رئیس دیارتمان " طرحهای ویژه" میباشد و یکی از تحصیلکردها و مطلعین از آثار فلسفه سیاسی لئو استراوس است که همرا با ژنرال ارشد نیروی دریائی کاپیتن ویلیام لوتی (William Luti) که سمت زیر سکرتر امور دفاعی در دیارتمان " طرحهای ویژه" را عهده دار است حرفه و مسئولیتشان اشاعه اطلاعات دروغین، دست چین شده و گمراه کننده میباشد. تیم لوتی - شولسکی ادعا میکند که این اطلاعات را از "بخش امنیتی اداره امور خارجه" ویا از کلاهبردار تحت تعقیب و رئیس کنگره ملی عراق یعنی احمد چلبی دریافت میکنند. احمد چلبی با لوتی و شولسکی در دانشگاه شیکاگو همکلاس بوده است.

شولسکی هم مثل ولفو ویتس (Wolfowitz) از شاگردان دانشگاهی لئو استراوس شمار میروند و زیر نظر او در سال ۱۹۷۲ به اخذ درجه دکترا نائل آمده اند.

سال ۱۹۳۷ سالی است که لئو استراوس از چنگال رژیم نازیسم هیتلری به ایالت متحده فرار میکند. او که فارغ التحصیل رشته تاریخ فلسفه سیاسی میباشد به جایگاه یکی از برجسته ترین استادان و مدرسین کنسرواتیوها تبعیدی ارتقاء یافت. اعتقاد او بر این است که آثار فلاسفه قدیم حاوی پیامی مرموز و جادویی میباشد که فقط تعدادی محدود و اقلیت انگشت شماری قادر به درک حقیقت نهفته در آن میشوند. حقیقت این پیام را مردم عامی نفهمیده و آن را سوء تعبیر نموده اند. وینست کانیستررو (Vincent Cannistraro) رئیس سابق مرکز عملیات ضد تروریستی سیا که گاهها هم در کارگاه "اندیشه سازی" استراوس مشارکت داشته میگوید: "این شیوه نگرش وجهه ممیزه و کارا کتر اساسی این گروه است. اعضای این گروه بطور متقابل به تقویت خویش میپردازند، چون بهر حال آنها تنها و منزوی هستند و دوستی وحامی ندارند. همه با هم کار میکنند و تشکیل مجموعه ای واحدی را میدهند. آغاز این همبستگی به ده های ۸۰ و ۹۰ می رسد همبستگی ای که در حال حاضر استحکام یافته است. کانیستررو سخنش را با این جمله به پایان میبرد که " ۱۱ سپتامبر به آنها

موقعیت ارزانی کرد و الان آنها در آسمان هفتم بسر میبرند.

این حلقه عمیقاً گرایشات بنیادگرایانه مذهبی را نمایندگی میکند و دارای آیینها و مناسک و جلسات ویژه خویش است. آنها دنیا را به صورت "خیر و شر؛ می بینند. اعتقاد شان بر این است که امریکا بعنوان نماد "خیر" باید با اتکائ به نیروی نظامی قدرتهای هرج و مرج طلب یا "شرور" را مغلوب نماید. د ر رابطه با سلاحهای کشتار جمعی صدام حسین و ارتباط رژیم عراق با گروه القاعده کانیسترر میگوید: "آنها معتقد اند که این اطلاعات موجود است. زیرا آنها میخواهند چنین هم باشد. این اطلاعات باید لاجرم از آنجا [از عراق] سر در بیآورد."

در ادامه مقاله اش هیرش اشاره به بخشی از اظهار نظر یکی از کارمندان قدیمی DIA "آژانس اطلاعاتی امور فاعی" (Defense Intelligence Agency) در حین مصاحبه مطبوعاتی اش نموده و از او چنین نقل قول میآورد: "پنتاگون دست به تشکیل جبهه ای برای تسلط کامل و قبضه کردن تام و تمام سیاست خارجی دولت زده است. آنها به این هدف دست یافته و توفیق نصیبشان گردیده است. آنها کنترل کاملاً چلبی را دست دارند. DIA "آژانس اطلاعاتی امور فاعی" با تهدید و ارباب بکنار زده شد و مثل آش له و لورده گردید. علاوه بر این در سازمان جاسوسی CIA دیگر کسی باقی نمانده که تکیه گاه و حامی داشته باشد."

سیل گیرها و موانع فرو می ریزند:

روزنامه نگارها یکی پس از دیگری به میدان میایند و به افشاگری میپردازند. پس از اینکه اولین سیل گیرها توسط روزنامه های The New Yorker و New York Times با پرداختن به مواضع انتقادی و افشاگریهای کاندید ریاست جمهوری حزب دمکرات لا روشس LaRouches بالا زده شد، روزنامه نگاران دیگری بدین کارزار افشاگرایانه پیوستند. روزنامه Asia Times مقاله ای با تیتیر "کنسرواتیوها با هم والسای استراوس میرقصند (والسا نوعی رقص دو نفره با < تاکت (Walzer) به قلم جیم لوب (Jim Lob) منتشر کرد. در اروپا هم مقاله لا روشس LaRouches سر و ضدای زیادی را در محافل روزنامه نگاران

بقیه در صفحه ۱۷